

گرایش‌های مختلف حقوق مالکیت فکری؛ از نظام حداکثری تا نظام‌های جایگزین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۳

اصغر محمودی^۱

چکیده

به دنبال تبعات منفی حمایت گسترده از حقوق مالکیت فکری در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه سلامت، انتقال فناوری، دانش و رقابت، گرایش‌های مختلفی به منظور حفاظت از منافع عموم و مقابله با نظام مالکیت فکری حداکثری پا به عرصه وجود گذاشتند. این گرایش‌ها به پشتوانه نهادهای مدنی و تمایلات عمومی، با شعارهایی چون حفاظت از سلامت عمومی، آزادی اطلاعات، دسترسی به دانش و انتقال فناوری با توسل به ابزارهای مختلف سیاسی و حقوقی، درصدد محدود کردن نظام مالکیت فکری حداکثری برآمدند که آثار آن را می‌توان در تهیه اعلامیه دوحه سازمان تجارت جهانی در مورد موافقتنامه تریپس و سلامت عمومی، اعلامیه ژنو در خصوص آینده وایپو، قطعنامه مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی، نهضت کپی‌لفت و استفاده از حقوق رقابت برای تحدید مالکیت فکری، به‌وضوح دید. این گرایش در محدود کردن نظام حداکثری مالکیت فکری موفق بوده، اما در پیشنهاد نظام جایگزین برای حقوق مالکیت فکری توفیق چندانی نداشته که دلیل آن ضعف پیشنهادهای ارائه‌شده از جمله صندوق جایزه برای نوآوری است.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، نظام مالکیت فکری حداکثری، موافقتنامه تریپس،

وایپو، دسترسی به دانش، کپی‌لفت، حقوق رقابت

۱. استادیار دانشگاه پیام نور و عضو هیئت مدیره انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران

(Mahmoudilaw@yahoo.com)

مقدمه

نظام مالکیت فکری مانند دیگر نظام‌های حقوقی در تدوین مقررات و اتخاذ سیاست‌های خود، از جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های مختلفی تأثیر می‌پذیرد، حتی به دلیل ارتباط آن با حوزه‌های مختلف دانش، فرهنگ، هنر، سلامت و صنعت، تأثیرپذیری آن در مقایسه با دیگر حوزه‌های حقوق بیشتر است.

نظام مالکیت فکری با اعطای حق انحصاری به پدید آورنده از یک‌طرف و محافظت از قلمرو عمومی از سوی دیگر، در مسیری بین منافع فرد و منافع جمع حرکت می‌کند؛ بنابراین چالش‌های سستی بین دو دیدگاه عمده قائلان به اصالت فرد و قائلان به اصالت جامعه که از دیرباز در علوم اجتماعی وجود داشته است، همیشه بر آن سایه افکنده است.

منطقی‌ترین روش این است که با جمع بین منافع فرد و جامعه، تعادل لازم بین این دو حوزه ایجاد گردد. ولی واقعیت این است که برقراری موازنه و تعادل به طوری که کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته و به تعبیر دیگر کشورهای شمال و جنوب به طور برابر از آن بهره‌مند شوند، به‌راحتی امکان‌پذیر نیست.

گاه حمایت از حقوق انحصاری و تنوع و گستردگی انحصارات - تحت تأثیر گرایش‌های مدافع منافع حقوق پدیدآورنده که به دنبال تقویت، توسعه و تعمیق مالکیت فکری هستند و در موارد زیادی ملاحظات اقتصادی و سیاسی در آن نهفته است - به حدی پیش می‌رود که صحبت از موازنه، تعادل و منافع جامعه غیر قابل باور می‌نماید. چه طور می‌توان از موازنه و تعادل حرف زد، درحالی‌که تعداد زیادی از مردم جهان به دلیل عدم دسترسی به دارو، جان خود را از دست می‌دهند؛ یا از معالجه و درمان طرفی نمی‌بندند؛ یا وقتی که کفه انحصار که کشورهای توسعه‌یافته مدافع آن هستند، نسبت به انتقال تکنولوژی که کشورهای درحال توسعه به دنبال آن هستند، سنگینی می‌کند؛ یا وقتی که رویه‌های غیرمنصفانه را در قراردادهای انتقال تکنولوژی شاهد هستیم؟

در مقابل گرایش مذکور که به دنبال توسعه، تقویت و تعمیق انحصارات است، گرایش دیگر محدودیت را دنبال می‌کند و درصدد است افسار انحصار را در جهت تأمین منافع عمومی به دست

گیرد. این گرایش با ابزارها و شعارهای مختلف از جمله حقوق بشر، حقوق رقابت، دسترسی به دانش، انتقال تکنولوژی و حمایت از سلامت جامعه، مقاصد خود را پیگیری می‌کند. در این نگاه، مالکیت فکری و انحصارات نه به عنوان هدف، بلکه وسیله‌ای برای اهداف بزرگ‌تر انتقال تکنولوژی، دسترسی به دانش و مواردی از این‌دست به حساب می‌آید. گرایش سومی نیز وجود دارد که نظام مالکیت فکری را مناسب ندانسته و به دنبال ارائه نظام جایگزین است. حال در ضمن مباحث جداگانه به توضیح بیشتر آنها می‌پردازیم.

۱. گرایش به توسعه، تقویت و تعمیق حمایت از انحصارات

دیدگاه غالب در مالکیت فکری، به توسعه، تقویت و تعمیق حمایت از انحصارات گرایش دارد و با تمسک به سیاست‌های مختلف تقنینی، اجرایی و قضایی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال برقراری رژیم حداکثری مالکیت فکری است.

توسعه، تقویت و تعمیق حمایت از انحصارات در دو بُعد کمی و کیفی تعقیب می‌شود. منظور از توسعه کمی، گسترش قلمرو حمایت از مالکیت فکری از حیث مصادیق و پهنه جغرافیایی، صرف‌نظر از کیفیت آن می‌باشد. مراد از توسعه کیفی نیز افزایش سطح و کیفیت حمایت از انحصارات است. در ذیل به توضیح بیشتر آنها در دو بند جداگانه می‌پردازیم.

۱.۱. توسعه کمی

امروزه کمتر کشوری را می‌توان پیدا کرد که در سطح ملی از حقوق مالکیت فکری حمایت به عمل نیاورده باشد. حتی با تنظیم معاهدات منطقه‌ای همچون کنوانسیون اختراعات اروپا^۱، کنوانسیون اختراعات آفریقا^۲، سطح حمایت از مالکیت فکری گستره منطقه‌ای پیدا کرده است. با تصویب معاهدات بین‌المللی همچون کنوانسیون پاریس^۳، معاهده برن^۴ و موافقتنامه راجع به جنبه‌های تجاری مالکیت فکری (تریپس)^۵ نیز حمایت از ابداعات فکری پهنه جهانی پیدا کرده

1. European Patent Convention (EPC) 1973.

2. African Regional Intellectual Property Organization (ARIPO).

3. Paris Convention for the Protection of Industrial Property 1883.

4. Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works 1886.

5. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).

است. بنابراین حمایت از مالکیت فکری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از شمول و گستره جغرافیایی وسیع آن حکایت دارد.

علاوه بر قلمرو جغرافیایی وسیع و بین‌المللی، شمول مالکیت فکری بر آثار مختلف ادبی، هنری و صنعتی گواه بر قلمرو وسیع مالکیت فکری است؛ به طوری که شاید امروزه کمتر فعالیت، محصول و اثری را می‌توان یافت که با مالکیت فکری ارتباط نداشته باشد. در شمول مالکیت فکری بر خیلی از مصادیق تردیدی وجود ندارد؛ ولی تلاش‌ها برای داخل کردن موضوعات جدید در نظام مالکیت فکری نظیر پایگاه‌های داده^۱ غیر اصیل،^۲ دانش سنتی،^۳ جلوه‌های فولکلور،^۴ داروهای با کاربرد جدید،^۵ نرم‌افزارهای کامپیوتری، روش‌های تجارت، ابداعات مرتبط با موجودات زنده و ... حکایت از گرایش به توسعه کمی مصادیق مالکیت فکری دارد.

اتخاذ سیستم اعلامی برای صدور گواهی اختراع در کشورهای مختلف، از جمله ایران نیز ناخواسته به توسعه کمی نظام انحصارات منجر می‌شود؛ چون به دلیل فقدان بررسی و تحقیق کافی، به ابداعاتی گواهی اختراع داده می‌شود که شایستگی آن را ندارند.

1. Data Base.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: صادقی، محمود، طهماسبی، علی؛ «درآمدی بر حمایت از حقوق پدیدآورنده پایگاه داده»، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۳، سال ۴، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۴۱.

3. Traditional Knowledge.

تعداد زیادی از کشورها در خصوص اینکه آیا حقوق باید از دانش سنتی حمایت کند، تصمیمی نگرفته اند. در این خصوص بین اهل فن اختلاف نظر وجود دارد. بعضی معتقدند که مکانیسم‌های موجود حقوق مالکیت فکری می‌تواند از دانش سنتی حمایت کند. برخی دیگر بر این نظرند که به شکل اساسی و جدیدی از حقوق مالکیت فکری (نظام خاص) نیاز است. در مقابل، عده‌ای می‌گویند نظام مالکیت فکری از مفاهیم و اصطلاحاتی استفاده می‌کند که با دانش سنتی ناسازگار است و در برابر نظامی که به دنبال تجاری کردن سنت‌هایشان هست، مقاومت می‌کنند. ر.ک: (WIPO, ۲۰۱۴: ۵۷).

4. Folklore Expression.

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: صادقی، محسن؛ مبحثی از مباحث حقوق و اقتصاد: چالش‌های حقوقی و اقتصادی «ثبت کاربرد جدید دارویی» برای کشورهای در حال توسعه، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۵۰ به بعد.

محدود کردن استثنائات هم گام مهمی در جهت توسعه کمی نظام انحصارات به شمار می‌رود. نظام استثنائات مالکیت فکری در کشورهای توسعه‌یافته نظیر آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا محدود بوده و رفته‌رفته محدودتر می‌شود. حتی گفته می‌شود در آمریکا تقریباً استثنائی وجود ندارد و همان طور که خواهیم دید، حتی در مواردی روش‌های تجارت و برنامه‌های رایانه‌ای را نیز تحت حمایت قرار داده‌اند.

تلاش‌های صورت‌گرفته برای تصویب معاهده پی ال تی^۱ نیز در این راستا قابل اشاره است. درحالی‌که تریپس حداقل استانداردها را برای یکنواخت‌سازی مقرر کرده، معاهده پی ال تی به دنبال به حداکثر رساندن آن است و آزادی عمل کشورها را محدود کرده و استثنائات حداقلی از موارد قابل ثبت را ارائه می‌کند. تصویب معاهده مد نظر کشورهای توسعه‌یافته، قابلیت انعطاف‌پذیری قوانین ملی کشورها را در رابطه با موضوعات ماهوی اختراعات که تا حدودی، مورد تأیید و تأکید موافقتنامه تریپس نیز می‌باشد، کمرنگ و قدرت قوانین ملی کشورها را در خصوص این موضوع محدودتر می‌سازد (حبیب، ۱۳۸۶: ۴۲).

آسان‌گیری در احراز شرایط ماهوی ابداعات فکری نیز یکی دیگر از اقداماتی است که در جهت توسعه کمی نظام انحصارات صورت می‌گیرد. با این توضیح که نظام مالکیت فکری، انحصار را به آثاری اعطا می‌کند که شرایط ماهوی مقرر را داشته باشند. به عنوان مثال ورقه اختراع به اختراعاتی داده می‌شود که حائز شرایط تازگی، گام ابتکاری و کاربرد صنعتی باشند؛ یا آثار ادبی و هنری اصیل باشند؛ یا علامت تجاری باشد که ویژگی تمایزبخشی دارد.

بعضی مواقع بنا به ملاحظات در احراز این شرایط، سخت‌گیری صورت نمی‌گیرد. محدود نمودن تازگی به فن و صنعت مکتوب قبلی، سهل‌گیری در احراز شرط گام ابتکاری، به‌ویژه کاربرد صنعتی از این نمونه است. محاکم و ادارات اختراع آمریکا با این رویکرد، در مواردی حتی روش‌های تجارت و برنامه‌های رایانه‌ای را مشمول ورقه اختراع دانسته‌اند. (جعفرزاده، محمودی، ۱۳۸۴: ۱۳۵ - ۱۳۸)

1. Patent Law Treaty.

پیش‌بینی نظام خاص برای حمایت از پایگاه‌های داده غیراصیل و تسری حمایت نظام کپی‌رایت به دانش سنتی و مظاهر فولکلور نیز در این راستا قابل تحلیل است.

۱.۲. توسعه کیفی

توسعه کیفی مالکیت فکری به منظور تقویت نظام انحصارات به شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که یکنواخت کردن مقررات بین‌المللی، اعطای حقوق بیشتر به پدیدآورنده، پیش‌بینی ضمانت اجراهای مختلف مدنی، اداری و کیفری، اتخاذ سیستم تحقیقی، تهیه قوانین مدل توسط سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) و ارائه آن به کشورهای دیگر جهت الگوبرداری، نمونه‌هایی از این موارد هستند که در ادامه به توضیح بیشتر یکی از موارد مهم آن می‌پردازیم که یکنواخت و متحدالشکل کردن مقررات بین‌المللی است.

وجود قوانین مختلف و در مواردی متعارض در سطح ملی، یکی از مشکلات فراروی تجارت بین‌الملل است. به منظور غلبه بر مشکلات مذکور، تلاش‌هایی در جهت یکنواخت‌سازی مقررات در سطح بین‌المللی، هم در بُعد شکلی و هم ماهوی، صورت پذیرفته است که از نتایج آن می‌توان به معاهده همکاری در ثبت اختراع^۱ و معاهده مادرید^۲ اشاره کرد.

اتخاذ نظام تحقیقی به جای نظام اعلامی در صدور ورقه اختراع، نیازمند ملزومات خاص فنی و انسانی است که موجب طولانی شدن فرایند ثبت اختراع و افزایش هزینه‌ها می‌شود؛ ولی به طور قطع اعتبار گواهی‌های صادره را ارتقا می‌بخشد. بنابراین اتخاذ نظام تحقیقی، گامی در جهت بهبود و توسعه کیفیت نظام اختراعات محسوب می‌شود.

۲. گرایش به محدود کردن حقوق مالکیت فکری

در مقابل گرایش توسعه، تعمیق و تقویت نظام انحصارات، گرایش دیگری وجود دارد که با روش‌های مختلف درصدد محدود کردن حقوق مالکیت فکری است. بعضی از محدودیت‌ها، مواردی هستند که خود نظام مالکیت فکری متأثر از دلایل و واقعیت‌هایی، آنها را پذیرفته است و

1. Patent Cooperation Treaty.

2. Madrid Agreement Concerning the International Registration of Marks.

می‌توان آنها را محدودیت‌های درون نظام مالکیت فکری نامید. بعضی محدودیت‌ها نیز مواردی هستند که خارج از نظام مالکیت فکری وضع شده‌اند که می‌توان آنها را محدودیت‌های خارج از نظام مالکیت فکری نامید که در ذیل به توضیح بیشتر آنها می‌پردازیم.

۲.۱. محدودیت‌های درون نظام مالکیت فکری

وجود نگرانی‌های مختلف باعث شده که هم‌زاد انحصار، محدودیت‌هایی وضع شود؛ از این رو در کلیه سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مقررات مالکیت فکری شاهد محدودیت‌هایی هستیم که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: محدودیت مدت حمایت از آثار فکری - مثلاً بیست سال، عمر مؤلف به علاوه پنجاه سال - استثنائات مصرح قانونی برای اهداف مختلف آموزشی و درمانی، استثنائات پیش‌بینی‌شده جهت صیانت از نظم عمومی و اخلاق حسنه، لیسانس‌های اجباری، محدودیت‌های سرزمینی و اصل سرزمینی بودن حقوق فکری، پیش‌بینی شرایط ماهوی از جمله اصیل بودن در مالکیت ادبی و هنری، متمایز بودن در طرح صنعتی و تازگی، گام ابتکاری و کاربرد صنعتی در اختراع که موارد فاقد آنها را از حیطه حمایت خارج می‌کند.

۲.۲. محدودیت‌های خارج از نظام مالکیت فکری

بسیاری از محدودیت‌ها، خارج از نظام مالکیت فکری ایجاد می‌شوند و هر روز به گستره آنها افزوده می‌شود. به طور کلی بخش قابل توجهی از این محدودیت‌ها ناشی از این تفکر است که باید به دانش دسترسی آزاد داشت. این تفکر که به «جنبش دسترسی به دانش»^۱ معروف است، با توسل به ابزارهای مختلف درصدد محدود ساختن نظام مالکیت فکری است. هر چند می‌توان مطالب را ذیل جنبش دسترسی به دانش بحث کرد، ولی به علت اهمیت رقابت و کپی لفت، مطالب در سه بند جداگانه، محدودیت‌های ناشی از جنبش دسترسی به دانش، محدودیت‌های ناشی از مقررات رقابت و محدودیت‌های ناشی از کپی لفت مورد بحث قرار می‌گیرد.

1. Access to Knowledge (A2K).

۲.۳. محدودیت‌های ناشی از جنبش دسترسی به دانش

بنا به اهمیت جنبش دسترسی به دانش لازم است قبل از بیان آثار و محدودیت‌های ناشی از جنبش، با مفهوم، ماهیت، قلمرو، اهداف و خاستگاه و چالش‌های پیش روی آن آشنا شویم.

۲.۳.۱. تعریف

جنبش دسترسی به دانش را می‌توان به عنوان جنبش نوظهور اجتماعی غیرمنسجم و در عین حال پویا تعریف کرد که در حال شکل‌دهی گروه‌هایی برای توسعه برنامه‌های هماهنگ و اقدامات مشترک جهت مقابله با رژیم مالکیت فکری حداکثری است (Kapczynski and others, 2010: 547).

۲.۳.۲. ماهیت

جنبش دسترسی به دانش ماهیتاً یک نوع «جنبش»^۱ «ائتلاف»^۲ و «آرمان»^۳ است که تمامی اشخاصی که رژیم مالکیت فکری حداکثری را نفی می‌کنند، زیر چتر آن قرار می‌گیرند. توسعه‌دهندگان نرم‌افزارهای رایگان، کمپین‌های دسترسی به دارو، طرفداران حقوق دیجیتال، فعالان ویدئویی، گروه‌های مصرف‌کننده، معلمان، دانش‌آموزان و نابینایان از جمله این اشخاص می‌باشند. این اشخاص شامل گروه‌های مردم‌نهاد، تجار و حتی دولت‌هایی می‌شوند که با نظام مالکیت فکری حداکثری به مقابله می‌پردازند (Ibid: 550).

دسترسی به دانش بیش از اینکه هدف باشد، وسیله است؛ وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف مختلف، از جمله نوآوری، توسعه، فرهنگ، تضمین حقوق بشر و سلامت (Ibid: 548). همین ترسیم اهداف مختلف برای جنبش دسترسی به دانش، خود گویای گستردگی و نیز اهمیت آن است.

1. Movement.
2. Coalition.
3. Aspiration.

۲.۳.۳. خاستگاه

جنبش دسترسی به دانش‌اصالتا یک جنبش نخبگان است که توسط سازمان‌های مردم‌نهاد و دانشگاه‌های کشورهای شمال آغاز و توسعه یافته است و کشورهای جنوب بعداً بدان ملحق شده‌اند. با این حال، در این جنبش صدای کشورهای جنوب در مواردی نظیر دسترسی به دارو شنیده می‌شود (Ibid: 566). البته این مسئله که جنبش «برای چه»^۱ ایجاد شده، مهم‌تر از این مسئله است که «توسط چه کسی»^۲ ایجاد شده است (Ibid: 559).

۲.۳.۴. چالش

یکی از ضعف‌های جنبش، عمومیت نیافتن آن و اختصاص آن به نخبگان است که دلایل این واقعیت است که بعضی از استراتژی‌های اصلی جنبش نیازمند مهارت‌هایی هستند که در کل جامعه به‌خوبی توزیع نشده‌اند. از این‌رو فعالان و بازیگران اصلی جنبش، تعهد اخلاقی دارند که در هر اقدامی، شاخصه ظرفیت‌سازی و شبکه‌سازی را مد نظر قرار دهند و برای اینکه این امر اتفاق بیفتد، جنبش نیازمند این است که ادبیات جنبش‌های دیگر مثل حقوق بشر، محیط‌زیست، حقوق مدنی را به رسمیت شناخته و بتواند از این طریق مشروعیت اجتماعی به دست بیاورد (Ibid: 566).

۲.۳.۵. آثار و محدودیت‌های ناشی از جنبش دسترسی به دانش

حمایت بیش از اندازه از مالکیت فکری، آثار و تبعات منفی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه سلامت، تغذیه و توسعه بر جای گذاشته است. امروزه حدود دو میلیارد مردم جهان به داروهای ضروری دسترسی ندارند. در بعضی از کشورها با درآمد پایین در آفریقا و آسیا این عدد متجاوز از نصف مردم این کشورهاست (Shashikant, 2010: 141).

متعاقب آسیب‌های مذکور، تحت لوای جنبش دسترسی به دانش، تلاش‌هایی برای مقاومت در برابر حمایت بیش از اندازه از مالکیت فکری صورت گرفته که اعلامیه دوحه سازمان تجارت

1. For What.

2. By Whom.

جهانی در مورد موافقتنامه تریپس و سلامت عمومی در نوامبر ۲۰۰۱^۱، اعلامیه ژنو در خصوص آینده وایپو در مارس ۲۰۰۴ و قطعنامه مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی در ماه می سال ۲۰۰۶، از مهم‌ترین آنها می‌باشند که بنا به اهمیتشان به توضیح مختصر آنها می‌پردازیم.

۲.۳.۵.۱. اعلامیه دوحه

این اعلامیه با اذعان به مشکلات بهداشت عمومی ناشی از بیماری‌هایی نظیر ایدز، سل و مالاریا که کشورهای در حال توسعه و کم‌توسعه‌یافته با آن درگیر هستند، تأکید می‌کند که موافقتنامه تریپس باید بخشی از اقدام ملی و بین‌المللی گسترده برای بیان این مسائل و مشکلات باشد (بند ۲۱).

اعلامیه بیان می‌کند موافقتنامه تریپس می‌تواند و باید به روشی تفسیر و اجرا شود که از حق اعضای سازمان تجارت جهانی برای حمایت از بهداشت عمومی حمایت کند و به‌ویژه دسترسی به دارو برای همه را ترویج دهد. در این ارتباط، به حق اعضای سازمان تجارت جهانی برای استفاده کامل از مقررات موافقتنامه تریپس که انعطاف برای این اهداف را مقرر کرده است، تصریح می‌کند (بند ۴).

به تعبیر اعلامیه در بند ۵، این انعطاف‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

الف) در اعمال قواعد عرفی تفسیر حقوق بین‌الملل عمومی، هر مقرره‌ای از موافقتنامه تریپس باید در پرتو اهداف و مقاصد مصرح موافقتنامه به‌ویژه در اهداف و اصول آن خوانده شود.

ب) هر عضوی حق اعطای لیسانس اجباری و آزادی تعیین مبانی که چنین لیسانس‌هایی صادر می‌شود، را دارد.

ج) هر عضوی حق تعیین این را دارد که چه چیزی «اضطراب ملی»^۳ است یا دیگر شرایط «نهایت اضطراب»^۴ را داراست. بحران‌های بهداشت عمومی از جمله ایدز، سل، مالاریا و دیگر اپیدمی‌ها می‌تواند بیانگر اضطراب ملی یا دیگر شرایط نهایت اضطراب باشند.

1. Doha Declaration on TRIPS and Public Health.

2. Geneva Declaration on the Future of the World Intellectual Property Organization.

3. National Emergency.

4. Extreme Urgency.

د) هر عضوی آزاد گذارده شود تا بدون چالش، رژیم خود را برای زوال حقوق مالکیت فکری اتخاذ کند.

اعلامیه اذعان دارد که اعضای سازمان تجارت جهانی که ظرفیت‌های کافی برای ساخت در حوزه دارویی ندارند، در برقراری استفاده مؤثر از لیسانس اجباری بر طبق موافقتنامه ترپس با مشکلاتی مواجه خواهند شد؛ از این رو از شورای ترپس می‌خواهد یک راه‌حل سریع برای این مسئله بیابد (بند ۶).

همین طور، اعلامیه در عین حال که حمایت از مالکیت فکری را برای توسعه داروهای جدید مهم می‌داند، نگران تأثیرات قیمتی آن است (بند ۳).

اعلامیه به تعهد کشورهای توسعه‌یافته عضو برای ایجاد انگیزه برای بنگاه‌ها و مؤسساتشان برای اشاعه و تشویق انتقال تکنولوژی به کشورهای کم‌توسعه‌یافته عضو بر طبق ماده ۶۶.۲ موافقتنامه ترپس تأکید می‌کند. همچنین اعلام می‌کند که کشورهای کم‌توسعه‌یافته عضو، راجع به محصولات دارویی، برای اجرا یا اعمال بخش‌های پنج و شش از بخش دو موافقتنامه ترپس یا اجرای حقوق مقرر شده طبق این بخش‌ها تا اول ژانویه ۲۰۱۶ ملزم نیستند، بدون اینکه این امر به حق کشورهای کم‌توسعه‌یافته عضو برای تمدید دوره انتقالی مقرر در ماده ۶۶.۱ موافقتنامه ترپس خدشه‌ای وارد سازد (بند ۷).

اعلامیه دوحه پیروزی سیاسی مهمی برای کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. آن اعلامیه، یک اعلامیه سیاسی بیش نیست و به هیچ وجه موافقتنامه ترپس را تغییر نمی‌دهد، ولی با این حال پیامدهای حقوقی مهمی دارد و تدوین آن موفقیت مهمی برای طرفداران دستیابی به دانش محسوب می‌شود (Shashikant, 2010: 152).

۲.۳.۵.۲. اعلامیه ژنو در مورد آینده وایپو

تهیه اعلامیه ژنو در مارس ۲۰۰۴، واکنشی به حمایت بیش از اندازه از حقوق مالکیت فکری بود. این اعلامیه با احصاء آثار منفی و مخرب چنین حمایت‌هایی از جمله عدم دسترسی به داروهای اساسی، نابرابری در دسترسی به آموزش، دانش و فناوری، وجود رویه‌های غیرقابلی، وجود موانعی فراروی ابداعات و نوآوری‌ها، مالکیت متمرکز و کنترل دانش، فناوری و منابع

بیولوژیک، تهدید استثنائات ذاتی حق مؤلف توسط اقدامات تکنولوژیک طراحی شده برای اجرای حقوق مالکیت فکری در محیط دیجیتال و عدم تناسب منافع عمومی با منافع خصوصی، به مبارزات و تلاش‌های صورت گرفته برای دسترسی به دارو، مجله‌های علمی، اطلاعات ژنتیکی، پایگاه‌های داده و نیز به اقدامات صورت گرفته در خصوص گسترش نرم‌افزارهای رایگان و باز، مجوزهایی نظیر گنو^۱ و اف. دی. ال^۲ و ویکی‌پدیا اشاره کرده و پیشنهادهایی برای آینده وایپو دارد.

اعلامیه ژنو از وایپو نمی‌خواهد که از تلاش‌های خود برای ترویج حمایت مناسب از مالکیت فکری دست بردارد، یا از تلاش‌های خود برای یکنواخت کردن یا بهبود مقررات دست بکشد؛ بلکه با این مخالف است که وایپو فقط «حمایت از مالکیت فکری را ترویج دهد» و به سیاست‌های دیگر که ادعاهای مالکیت فکری را به عقب می‌رانند یا از قلمرو عمومی حمایت می‌کنند یا دنبال افزایش آن هستند، توجه نکند. اعلامیه شعار «بیشتر بهتر است» یا «کمتر هرگز خوب نیست» را خطرناک می‌داند و معتقد است که به جایگاه وایپو لطمه وارد می‌سازد.

اعلامیه توقع دارد وایپو در چارچوب گسترده‌ای که در توافق ۱۹۷۴ با سازمان ملل توصیف شده است، کار کند و نگاه خیلی واقع‌بینانه و بسیار متعادل به منافع اجتماعی و هزینه‌های مالکیت فکری داشته باشد. همچنین از منظر اعلامیه، وایپو باید نگاه بسیار متعادلی به منافع واقعی یکنواخت‌سازی و تنوع داشته باشد و یکنواخت‌سازی را فقط وقتی برقرار کند که واقعاً به نفع تمام بشریت باشد؛ این روش که «یک اندازه مناسب همه است» و پیش‌بینی بالاترین حمایت، منجر به بی‌عدالتی و نتایج ناگوار برای کشورهای می‌شود که در تأمین نیازهای بسیار اولیه شهروندانشان در مضیقه هستند.

اعلامیه از وایپو می‌خواهد که رسماً نیازهای توسعه کشورهای عضو، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته را که قبلاً مطرح شده، ولی به اندازه کافی به آن توجه

1. GNU.

2. FDL.

نشده است، بپذیرد. همچنین نگرانی‌های گروه‌هایی نظیر مصرف‌کنندگان و حامیان حقوق بشر، فقرا، بیماران و نابینایان را در اولویت قرار دهد.

از منظر اعلامیه، بهترین تعبیر از مأموریت وایپو را می‌توانیم در توافق وایپو سازمان ملل به سال ۱۹۷۴ ببینیم که به دنبال «ترویج اقدامات فکری خلاق و تسهیل انتقال تکنولوژی» است. کارکرد وایپو نه تنها باید توسعه «حمایت مؤثر» و «یکنواخت‌سازی» مالکیت فکری باشد؛ بلکه باید به طور رسمی مفاهیم تعادل، تناسب و ترغیب به تدوین مدل‌های رقابتی و همسو در نظام‌های نوآوری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را بپذیرد.

اعلامیه حمایت خود را از تقاضا برای معاهدات دسترسی به دانش و تکنولوژی اعلام می‌کند. اعلامیه اصلاح برنامه‌های مساعدت فنی وایپو را درخواست می‌کند و اعلام می‌دارد اگر دبیرخانه وایپو نمی‌تواند نگرانی‌ها را درک و منافع فقرا را نمایندگی کند، باید کل برنامه‌های فنی به مجموعه مستقلی منتقل شود که بتواند جوابگوی کشورهای درحال توسعه باشد. به بیان اعلامیه، کشورهای درحال توسعه باید ابزارهایی برای اجرای اعلامیه دوحه سازمان تجارت جهانی در مورد تریپس و سلامت عمومی داشته باشند و از تمام انعطاف‌های تریپس برای اشاعه دستیابی به دارو برای همه استفاده کنند. وایپو باید به کشورهای درحال توسعه کمک کند تا محدودیت‌ها و استثنائات را در حقوق اختراعات و کپی رایت که برای انصاف، توسعه و نوآوری لازم هستند، پیگیری کنند.

از آنجا که اختلافات زیاد در قدرت معاملی طرفین به نتایج غیرمنصفانه بین پدیدآورندگان و جوامع و بنگاه‌های تجاری که محصولات فرهنگی و علمی را می‌فروشند، می‌شود، وایپو باید با تحقیق و بررسی ماهیت روبه‌های تجاری غیرمنصفانه، مدل‌های بهتری را اشاعه دهد. همچنین باید یک یا چند مجموعه‌ای را ایجاد نماید که به طور نظام‌مند رویه‌های ضدرقابتی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان را پیگیری می‌کنند.

۲.۳.۵.۳. قطعنامه مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی

مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی در ماه می سال ۲۰۰۶ قطعنامه‌ای را تصویب و از تمامی کشورهای عضو علاقه‌مند خواست که یک چارچوب میان‌مدت در خصوص حقوق مالکیت

فکری، نوآوری و بهداشت عمومی تدوین نمایند. همچنین یک کارگروه بین‌الدولی تشکیل گردید. مهم‌ترین مواردی که در خصوص حقوق مالکیت فکری مورد بحث و مذاکره واقع شد، عبارتند از: ظرفیت‌سازی، دسترسی به اختراعات مرتبط با بهداشت، بهره‌گیری از روش‌های منبع باز برای حمایت از کشفیات علمی، اتخاذ تمهیدات انگیزشی جایگزین نظیر اعطای جوایز و روش‌های بازاریابی نوین، به حداکثرسانی انعطاف در نظام‌های جاری و تعهد به تحقیق و توسعه. (حبیب، ۱۳۸۶: ۴۱)

آنچه از خلال مباحث مذکور جلب توجه می‌کند، رویکرد جامعه جهانی به محدود نمودن انحصارات ناشی از مالکیت فکری و توسعه روش‌های جایگزین برای تشویق نوآوری‌ها و در عین حال فراهم کردن امکان دسترسی هر چه بیشتر مردم کشورهای در حال توسعه به فرآورده‌های بهداشتی و درمانی است (همان).

۲.۴. محدودیت‌های ناشی از حقوق رقابت

نظام مالکیت فکری با اعطای انحصار از پدیدآورنده حمایت می‌کند. این در حالی است که حقوق رقابت با انحصار مقابله کرده و به دنبال برقراری رقابت سالم در بازار به منظور افزایش تولید، کاهش قیمت، تنوع محصولات و خدمات، افزایش رفاه و مقاصدی از این دست و در یک تعبیر کلی، سودمندی و کارایی بازار است.

علی‌رغم تصور اولیه، امروزه عقیده غالب این است که حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت با هم تعارض ذاتی ندارند و هر دو - البته هر کدام با روش‌های خود، اولی از طریق اعطای انحصار و دومی از طریق مقابله با رویه‌ها و توافقاتی که انحصاری - مقاصد مشترکی از جمله افزایش رفاه، نوآوری، خلاقیت، تنوع محصول و خدمات را تعقیب می‌کنند (محمودی، ۱۳۹۳: ۳۱).

در اینجا در مقام تبیین رابطه بین این دو رشته و تحلیل وضعیت شروط مختلف از منظر حقوق رقابت نیستیم،^۱ بلکه منظور از بحث مقررات رقابت این است که حقوق مالکیت فکری در تعامل با حقوق رقابت محدود می‌گردد. درست به همین دلیل است که طرفداران جنبش دسترسی به دانش، از حقوق رقابت به عنوان ابزاری برای محدود کردن مالکیت فکری استفاده می‌کنند. از منظر اینان، قانون رقابت می‌تواند و باید برای ارتقای اهداف دسترسی به دانش استفاده شود (Flynn, 2010: 451). هرچند که سؤال اصلی این است که قوانین رقابتی چه زمانی باید حقوق مالکیت فکری را محدود کنند؟ در پاسخ به این پرسش، به طور خلاصه می‌توان گفت که مقررات رقابت در مواردی که منافع محدود کردن مالکیت فکری از هزینه‌ها و ضررهای آن بیشتر باشد، با رویه‌ها و توافقات خاص مقابله می‌کند. بر عکس، در مواردی که هزینه‌ها و ضررهای محدود کردن مالکیت فکری بیشتر از منافع آن باشد، مخالفتی نمی‌کند. استفاده از قاعده «ضابطه عقلی»^۲ در حقوق آمریکا و استفاده از قواعدی مشابه در مقررات اتحادیه اروپا، گواه خوبی در این مورد است. با اعمال این ضابطه‌هاست که شروطی نظیر فروش اجباری، محدودیت فروش و محدودیت تولید در قراردادهای انتقال فناوری گاهی تجویز و گاهی هم رد می‌شوند.

استفاده از دکترین «امکانات ضروری»^۳ نیز ابزاری در دست حقوق رقابت است. به موجب این نظریه، «اشخاص باید دسترسی به امکانات ضروری و منحصربه‌فردشان را حتی با رقیبانشان به اشتراک بگذارند، مشروط بر اینکه اشتراک گذاردن امکان‌پذیر باشد و رقیبان خود به‌تنهایی نتوانند چنین امکانی را فراهم آورند». کشورهای اروپایی با استفاده از این تئوری به مقابله با مواردی می‌پردازند که دارنده حق از اعطای لیسانس امتناع می‌ورزد. نیز بر پایه همین نظریه است که گفته می‌شود در کشورهای درحال توسعه باید قوانینی وضع

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: محمودی، اصغر، جزوه حقوق رقابت و ضد انحصار، پردیس دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم ۱۳۹۳، ص ۲۲-۳۲. و نیز همو، حقوق قراردادهای انتقال فناوری، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵-۱۹۹.

2. Rule of Reason.

3. Essential Facilities.

شود که دسترسی به مالکیت فکری را در مورد کالاها و خدمات اساسی، به تعبیر دیگر «مالکیت فکری ضروری»^۱ تسهیل نماید (Ibid: 470).

می‌توان از مقررات رقابت قوی‌تر برای به اشتراک گذاردن مالکیت فکری ضروری با استفاده از تعادل اساسی بین «هزینه‌ها» و «سود» هم بهره برد. به عنوان مثال کافی است به مورد آفریقای جنوبی، کشوری که از نظر نابرابری درآمدی بدترین شرایط را دارد، نگاهی داشته باشیم. افرادی که در آفریقای جنوبی نیاز به درمان ایدز دارند، اگر قیمت داروهایشان پنج درصد درآمدشان باشد، آن را خواهند خرید. اگر شرکتی داروی خود را ۱۴۸۱ دلار به ازای هر بیمار در سال قیمت بگذارد، صد هزار نفر که دهک بالایی از درآمد را دارند، آن را خواهند خرید. اگر قیمت دارو ۳۹۶ دلار باشد، دویست هزار نفر که مبتلا به ایدز هستند، دارو را خواهند خرید. در صورتی که قیمت آن ۹۲ دلار باشد، نیمی از مردم که نیاز به درمان دارند، می‌توانند آن را خریداری کنند. برای فروش دارو به تمام کسانی که ایدز دارند، این قیمت باید تا هجده دلار برای هر بیمار در سال کاهش یابد (Ibid: 460).

در سپتامبر ۲۰۰۲، جنبش دسترسی به دارو دچار یک تحول عمده شد؛ یعنی زمانی که در آفریقای جنوبی، مدافعان جنبش دسترسی به دانش، شروع به استفاده از قانون رقابت کردند. کمپین درمان آفریقای جنوبی، تمرکز و تأکیدش را به سمت کمیسیون رقابت آفریقای جنوبی تغییر داد. در آن زمان کمپین درمان آفریقای جنوبی و سایر برگزارکنندگان کمپین در سراسر جهان در حال کار برای افزایش دسترسی بیماران به یک داروی مهم ایدز بودند که در کشورهای درحال توسعه استفاده می‌شد. داروی Cocktail که ترکیبی از AZT و 3TC بود و حق امتیاز هر دو مربوط به شرکت GSK و داروی نیوراپین که حق امتیاز انحصاری آن متعلق به شرکت BI بود، در اواخر دهه نود در آفریقای جنوبی و در سراسر جهان ده هزار دلار برای هر بیمار در سال قیمت‌گذاری شده بود. این قیمت حدود سه برابر درآمد سرانه خالص در آفریقای جنوبی بود. زمان طرح دعوا، قیمت‌ها در آفریقای جنوبی تا حدود سه هزار دلار در سال برای همان دارو بود، و در همان زمان قیمت نسخه‌های همان نوع شرکت‌های هندی سیصد دلار بود (همان: ۴۶۲).

1. Essential Intellectual Property.

شکایت تنظیم شده توسط کمپین درمان آفریقای جنوبی در کمیسیون رقابت در سال ۲۰۰۲ ادعا می کرد که استفاده از ورقه اختراع توسط شرکت های داروسازی چندملیتی برای بیان قیمتی که فقط بخشی از جمعیت آفریقای جنوبی می توانستند بپردازند، بر خلاف بخش هشت قانون رقابت در آفریقای جنوبی است که می گوید برای یک شرکت اصلی ممنوع است که «قیمت خیلی بالا»^۱ را به عنوان قیمتی که بالاتر از «ارزش اقتصادی منطقی»^۲ آن است، در نظر بگیرد. در اکتبر سال بعد کمیسیون اعلام کرد که در مورد ماده هشت آن قانون، سوء استفاده هایی از جمله قیمت گذاری بیش از حد صورت گرفته است. اعلام شد که شرکت GSK سود خود را با افزایش قیمت داروهای حیاتی در بازار دوچندان می کند؛ داروهایی از جمله ایدز که بسیاری از افراد با درآمد پایین باید بخرند (Ibid: 463).

سایر کمپین ها نیز از قوانین رقابتی برای دسترسی به سایر منظورهای استفاده کرده اند. در فوریه سال ۲۰۰۷ سازمان بین المللی اطلاعات اکولوژی، شکایتی را در کمیسیون تجارت فدرال آمریکا مطرح کرد به این شرح که شرکت Gilead Science به طور غیرقانونی از سیاست های محدودکننده، از جمله ممنوع کردن لیسانس گیرنده ها از فعالیت در برخی از کشورها و اخذ روباتی^۳ در کشورهایی که اختراع ثبت نشده بود، استفاده می کند (Ibid: 464).

در تایلند نیز فعالان دارو و درمان شکایتی را جهت صدور لیسانس اجباری در مورد داروی ایدز (Abbot Laboratories v. Kalerta) به دلیل امتناع از عرضه داروهای جدید مطرح کردند (Ibid).

استفاده از چارچوب های رقابتی برای تغییر مالکیت فکری در برخی از اسناد مربوط به جنبش دسترسی به دانش و توضیح استراتژی های آن مشهود است. از قانون رقابت در بخش هایی استفاده می شود که به احیای بحث های عمومی در مورد سوء استفاده از لیسانس و

1. Excessive Price.

2. Reasonable Economic Value.

3. Royalty.

سودآوری نیاز است و رقابت آن را انجام می‌دهد. بنابراین قانون رقابت نه تنها برای راه‌حل‌های احتمالی لازم و مهم است؛ بلکه چون به ارتباط جنبش با عموم کمک می‌کند هم مهم است. مزیت مهم دیگر استفاده از قانون رقابت این است که این قانون یک قانون کیفری (تنبیهی) است. سایر روش‌های مطرح‌شده، مثل لیسانس‌های اجباری، معمولاً اختیاری هستند و الزاماً دارنده حق مالکیت فکری را یک بازیگر نقش بد نمی‌دانند. حال آنکه استفاده از قوانین رقابتی مسئله را به این سو سوق می‌دهد که آیا آن شرکت استحقاق جریمه و مجازات برای سوء استفاده‌اش را دارد یا خیر. دیگر مزیت حائز اهمیت رقابت و اجرای قوانین آن این است که معمولاً باعث پیشرفت می‌شوند. برخلاف لیسانس اجباری که به نفع عموم هستند و اغلب فاقد رویه‌ها و روش‌های مشخص هستند، روش‌های رقابتی عموماً با قواعدی تعریف و مشخص می‌شوند که برای تصمیم‌گیری‌های آتی مفیدند (Ibid: 465-466).

۲.۵. محدودیت‌های ناشی از کپی‌لفت

کپی‌لفت^۱ در تقابل با کپی‌رایت^۲ به کار برده می‌شود. کپی‌لفت حرکتی نوخواسته در جهان مالکیت فکری است که در مسیر ایجاد توازن میان منافع جامعه و خالقان فکری قرار می‌گیرد. بر اساس کپی‌لفت، فرد قبول‌کننده مجوز قادر است آزادانه به استفاده، اصلاح و توزیع اثر مبادرت ورزد (سعید حبیبی، زهرا شاکری، ۱۳۹۱: ۹۴).

نقطه آغاز و تأسیس این نظریه به تولید نرم‌افزارهای رایانه‌ای باز برمی‌گردد. اگر مصرف‌کنندگان بتوانند آزادانه از نرم‌افزارهای قبلی استفاده و آن را اصلاح کنند، کیفیت و کمیت نرم‌افزارها افزایش می‌یابد؛ از این رو نرم‌افزارهای آزاد^۳ به بازار عرضه شدند؛ نرم‌افزارهایی که مصرف‌کننده آزاد است آنها را به اشتراک بگذارد، کد منبع را مطالعه یا اصلاح کند (همان: ۹۵ - ۹۶).

1. Copy Left.
2. Copy Right.
3. Free Software.

یکی از معمول‌ترین مجوزهایی که در میان نرم‌افزارهای باز شایع است، مجوز جامع و عمومی گنو، جی پی ال (GNU, GPL) است که به منظور اعمال کپی لغت در مورد نرم‌افزارها و متن آنها پدید آمده است و تضمین می‌کند که کاربران از آزادی برخوردار باشند. به طور کلی در جی پی ال، به طور خاص کد منبع باید قابل دسترس و اصلاح باشد تا بدین ترتیب بروز ابداعات مشترک تسهیل و ترویج شود. به موازات این، مجوز اف. دی. ال، اجازه‌نامه مستندات آزاد گنو (GNU Free Documentation) نیز وجود دارد که به کاربران اجازه می‌دهد مستندات را ویرایش کرده و مجدداً آن را توزیع کنند. در عین حال تضمین می‌کند که آزادی ویرایش و توزیع مجدد آن برای دیگران نیز محفوظ بماند. مؤلفان می‌توانند به سادگی این مجوز را به آثار خود ملحق کنند (همان: ۹۷).

از مجوز کپی لغت در وبگاه‌های مختلف مانند ویکی‌پدیا که به کاربران امکان تغییر، ویرایش و اضافه داده می‌شود نیز استفاده می‌شود.

۳. گرایش به نظام یا نظام‌های جایگزین مالکیت فکری

وجود نظام مالکیت فکری حداکثری، این تمایل را در بعض اشخاص و گروه‌ها، به‌ویژه کسانی که تحت لوای جنبش دسترسی به دانش فعالیت می‌کنند، ایجاد کرده است که جنبش دسترسی به دانش را نه تنها ابزاری برای مقاومت و مقابله با قواعد گسترده مالکیت فکری بدانند، بلکه فراتر از آن، جنبش را جایگزینی به نظام مالکیت فکری تلقی کنند.

از منظر اینان، مقاومت و مقابله، زاییده ضرورت و پاسخی به بحران‌هاست؛ اما مهم‌تر از آن، دسترسی به دانش جایگزین اساسی در مقابل حداکثری شدن نظام مالکیت فکری است (Kapczynski et al, 2010: 553).

به زعم اینان، به علت محدودیت منابع و زمان، نمی‌توان برای همیشه در جنگ‌های کوچک درگیر بود و باید راه‌حل اساسی برای مقابله با نظام مالکیت فکری حداکثری پیدا کرد. از این‌رو گفته می‌شود جنبش دسترسی به دانش، در حال حاضر جایگزین‌هایی برای نظام مالکیت فکری موجود را هم دنبال می‌کند. البته استراتژی جنبش، دنبال کردن تغییرات اساسی نیست؛ بلکه از طریق تغییرات تدریجی از جمله برنامه توسعه وایپو، معاهده تحقیق و توسعه

سازمان بهداشت جهانی و پیگیری صندوق جایزه برای نوآوری‌های پزشکی جهت رسیدن به اصلاحات اساسی در درازمدت و جایگزین‌های مالکیت فکری تلاش می‌کند (Ibid: 553, 559).

اما در مقابل، عده‌ای معتقدند که جنبش هنوز پیشنهاد واقعی و مناسبی که جایگزین تمام‌عیار نظام مالکیت فکری باشد، ارائه نکرده است و پیشنهادهایی از جمله ایجاد نظام جایزه برای نوآوری بیشتر به گزینه‌های خیالی می‌مانند. مضافاً اینکه نحوه اجرای آن در کشورها مشخص نیست (Ibid: 565-566).

افزون بر موارد مذکور، واقعیت این است که شیوه و عملکرد جامعه مدنی و دانشگاهی و به طور کلی مخالفان نظام حداکثری مالکیت فکری در مقایسه با دولت و صنعت متفاوت است. این امر ممکن است ناشی از فقدان بودجه متناسب یا متفاوت بودن ماهیت مدل‌های تجاری باشد؛ ولی در هر حال نشان‌دهنده وجود شکاف در ظرفیت آموزشی، پژوهشی و ساماندهی جنبش است و بیانگر این است که جنبش همیشه عقب بوده و صرفاً به نظام مالکیت فکری حداکثری واکنش نشان می‌دهد و نمی‌تواند جایگزینی برای آن محسوب شود (Ibid).

همین طور در تعبیری، نظام مالکیت فکری را با نظام سرمایه‌سالاری دوران مدرنیته متناسب دانسته، جریان آن را در عصر فرامردن ناموجه می‌دانند. همچنین گفته می‌شود پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی مالکیت فکری مبتنی بر فردگرایی، بازار و رقابت آزاد است که در صورت عدم پذیرش این امور، مانند آنچه در اندیشه مارکسیسم دیده می‌شود، این نظام کارایی لازم را ندارد (از مقدمه مترجم بر ترجمه فلسفه مالکیت فکری پیترو دراهوس، ۱۳۹۱: ۴۰).

نتیجه

دیدیم که در خصوص حقوق مالکیت فکری سه گرایش عمده وجود دارد. اولی که گرایش غالب محسوب می‌شود، به دنبال توسعه، تعمیق و تقویت نظام مالکیت فکری است و با روش‌های مختلف درصدد توسعه کمی و کیفی حقوق مالکیت فکری در ابعاد مختلف ملی،

منطقه‌ای و بین‌المللی است. این گرایش به دنبال نظام مالکیت فکری حداکثری است و حمایت بیشتر را تعقیب می‌کند.

در مواجهه با نظام مالکیت فکری حداکثری، گرایش دوم به دنبال ایجاد محدودیت برای حقوق مالکیت فکری است. این دیدگاه، تبعات منفی نظام مالکیت فکری حداکثری بر سلامت، رقابت، انتقال فناوری و مواردی از این دست را مخرب و غیرقابل قبول می‌داند و با طرح شعارهای مختلف، از جمله حمایت از سلامت، رقابت، حقوق بشر و انتقال فناوری، درصدد محدود کردن نظام مالکیت فکری است و از این رهگذر، از هر ابزاری از جمله حقوق رقابت، دسترسی به دانش، دسترسی به اطلاعات و انتقال فناوری بهره می‌برد.

گرایش سوم پا را فراتر گذاشته و با ادعای ناکارآمدی نظام مالکیت فکری و با به چالش کشیدن مبانی نظری حقوق مالکیت فکری، به دنبال جایگزین یا جایگزین‌هایی برای این نظام است. پیشنهاد صندوق جایزه برای ابداع و نوآوری در این راستا قابل تحلیل است.

واقعیت این است که گرایش دوم در محدود کردن نظام مالکیت فکری حداکثری توفیق سیاسی و حقوقی قابل توجه داشته که نتیجه آن را می‌توان در تهیه اعلامیه دوحه سازمان تجارت جهانی در مورد موافقتنامه ترپیس و سلامت عمومی، اعلامیه ژنو در خصوص آینده وایپو، قطعنامه مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی، نهضت کپی‌لفت و نیز استفاده از حقوق رقابت برای تحدید مالکیت فکری به‌وضوح دید. بر عکس، گرایش سوم به دلیل فقدان پیشنهاد مناسب و مقبول، حداقل تاکنون با اقبال مواجه نبوده است.

در مقررات مالکیت فکری ایران محدودیت‌هایی وجود دارد که تا حدی نظام مالکیت فکری را تعدیل می‌کند، ولی تمایل نظام موجود به سمت گرایش اول است، یا حداقل نقش گرایش دوم در نظام مالکیت فکری خیلی کم‌رنگ است. پیشنهاد می‌شود در تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌ها، وضع قوانین، اجرا و تفسیر مقررات و نیز صدور آراء، به گرایش دوم و دستاوردهای آن توجه شود تا مقررات مالکیت فکری در مسیری بین متوازن کردن منافع فرد و منافع جامعه قرار گیرد.

منابع

فارسی

۱. دراهوس، پیتر، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت‌نیا، با همکاری مهدی معلی و علی تقی‌خانی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۲. جعفرزاده، میرقاسم، محمودی، اصغر، «شرایط ماهوی حمایت از اختراعات از نگاه رویه قضایی و اداره ثبت اختراعات»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲، سال ۱۳۸۴.
۳. حبیبیا، سعید، «چالش‌های جدید حقوق مالکیت فکری»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۶.
۴. ——— و زهرا شاکری، «کپی‌لفت، نقابی بر سیمای حقوق مالکیت ادبی و هنری»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۱.
۵. صادقی، محسن، «مبحثی از مباحث حقوق و اقتصاد: چالش‌های حقوقی و اقتصادی "ثبت کاربرد جدید دارویی" برای کشورهای در حال توسعه»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۹.
۶. صادقی، محمود و علی طهماسبی «درآمدی بر حمایت از حقوق پدیدآورنده پایگاه داده»، مجله فقه و حقوق، سال ۴، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۶.
۷. محمودی، اصغر، حقوق قراردادهای انتقال فناوری، تهران: جاودانه، ۱۳۹۲.
۸. ——— جزوه حقوق رقابت و ضد انحصار، پردیس دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم ۱۳۹۳.

انگلیسی

1. Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health, Ministerial Conference, Fourth Session, Doha, 9-14 November 2001. World Trade Organization.
2. Gaellle Krikorian and Amy Kapczynski, Access to Knowledge in the Age of Intellectual Property, Zone books. New York, 2010.

3. Geneva Declaration on the Future of the World Intellectual Property Organization.
4. Kapczynski, Amy and Gaëlle Krikorian, with Harimi Amarasuriya, Vera Franz, Heeseob Nam, Carolina Rossini, and Dileepa Witharana, Virtual Roundtable on A2K Strategies: Interventions and Dilemmas, Access to Knowledge in the Age of Intellectual Property, Zone books. New York, 2010.
5. Sangeeta Shashikant, The Doha Declaration on TRIPS and Public Health: an Impetus for Access to Medicines, Access to Knowledge in the Age of Intellectual Property, Zone books. New York, 2010.
6. Sean M. Flynn, Using Competition Law to Promote Access to Knowledge, Access to Knowledge in the Age of Intellectual Property, Zone books, New York, 2010.
7. WIPO, Methodology for the Development of National Intellectual Property Strategies, Tool 3: Benchmarking Indicators, 2014.
8. WIPO Intellectual Property Handbook, World Intellectual Property Organization, Second Edition, 2004.